

یک ارزیابی از جنبش طبقاتی کارگران در سال ۹۸

جنبش کارگری در سال ۹۸ اگرچه با روی‌دادهای جدیدی چه در محدوده‌ی این جنبش و چه در سطح کل جامعه روبرو شد اما در کلیت خود، ادامه جنبش کارگری در سال ۹۷ بود. اعتراضات پر شمار کارگری به‌طور عمده در شکل اعتصاب و تجمع و در مواردی تظاهرات و رامپیمایی خیابانی ادامه یافت. علی‌رغم احضار و بازجویی و بازداشت صدها کارگر پیشرو، فعال اعتصاب و فعال سندیکائی اما روحیه اعتراضی، شعارها و خواست‌های سیاسی در جنبش طبقه کارگر جایگاه برجسته‌ای داشت. نه‌فقط خصلت

در صفحه ۳



خطرات جانی و معضلات معیشتی کارگران با شیوع کرونا

با گسترش کرونا و افزایش جان‌باختگان و بیماران در ایران، جمهوری اسلامی مجبور شد تصمیمات جدیدی - هر چند دیر، بسیار ناقص و همراه با اشکالات اساسی - در راستای قرنطینه کردن شهرها اتخاذ کرده و برای عبور و مرور افراد بین شهرها محدودیت‌هایی برقرار کند. کسب و کارها به غیر از فروشگاه‌های مواد غذایی و بهداشتی و دارویی تعطیل شد و حمل و نقل عمومی درون شهری از حرکت باز ایستاد. در این میان اما وضعیت کارگران چه آن‌ها که مجبور به کار کردن هستند و چه آن‌ها که به دلیل شیوع کرونا از کار بیکار شده‌اند، همچنان با بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی کامل حکومت اسلامی روبروست.

در صفحه ۱۰

کشتار کنترل شده مردم ایران به جای مبارزه جدی با ویروس کرونا

مبتلایان به ویروس کرونا، در رنجی روز افزون گرفتارند، هر روزه با آمارهای سه رقمی در تنهایی خود جان می‌بازند، بی آنکه یار و آشنایی در کنارشان باشند. با تنهایی خود در مکان‌های دور افتاده دفن می‌شوند، بی آنکه دولت مرهمی بر دردهای آنان و خانواده هایشان بگذارد. منحنی آمار مبتلایان و کشته‌شدگان با شیبی تند همچنان رو به بالاست، بی آنکه جمهوری اسلامی تا کنون یک اقدام موثر برای مهار و غلبه بر این ویروس ویرانگر برداشته باشد. همه شواهد بیانگر این امر است که هیئت حاکمه ایران، از همان ابتدا با پنهان کاری و کتمان آمار دقیق مبتلایان و جانباختگان آشکارا سیاست کشتار کنترل شده و تدریجی توده‌های مردم ایران را

در صفحه ۵

ویروس کووید ۱۹، همچنان در ایران بیداد می‌کند. اعلام روزانه آمارهای رسمی و نرخ جهش وار مبتلایان و جانباختگان این بیماری، طی روزهای گذشته وحشتی فراگیر را در جامعه دامن زده است. ابر سیاه کشتار و مرگ، آنچنان آسمان ایران را فرا گرفته است، که حتا همان آمارهای جعلی و رسمی نهادهای دولتی نیز از سیر شتابان و شیوع بیشتر این بیماری در جامعه خیر می‌دهند. تا جاییکه فقط طی روزهای شنبه و یکشنبه ۹ و ۱۰ فروردین، تعداد ۵۹۷۷ نفر مبتلا و ۲۶۲ نفر نیزجان باخته‌اند. بر اساس اعلام خبر رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت، تا روز یکشنبه ۱۰ فروردین، تعداد ۳۸۳۰۹ نفر مبتلا و ۲۶۴۰ نفر نیز جان باخته‌اند.

بحرانی بزرگتر از بحران ۲۰۰۷

نظام سرمایه‌داری جهانی از سال‌ها پیش با بحران‌های پی در پی اقتصادی- اجتماعی و سیاسی، ورشکستگی خود را آشکار نموده و نشان داده است که دوران این نظم فرتوت و پوسیده به پایان رسیده و باید جای خود را به نظم سوسیالیستی، نظمی متشکل از انسان‌های آزاد و برابر بسپارد. ناتوانی این نظم و فلج شدن آن در برابر ویروسی که تمام جهان را فرا گرفته و هر روز هزاران تن از مردم جهان را به کام مرگ می‌کشاند و تمام اقتصاد جهان را در یک لحظه متوقف کرده است، دلیل دیگری بر این حقیقت است که بشریت در نظام مبتنی بر طبقات، سود و استثمار سرمایه‌داری جز مرگ، فقر، بی‌کاری، جنگ، آوارگی، بیماری‌های واگیردار، دلهره و اضطراب و بی‌آیندگی، نصیبی نخواهد داشت.

نظم سرمایه‌داری که اکنون چندین دهه است بر روی یک بحران ساختاری حرکت می‌کند و به طور متناوب با بحران‌های دوره ای بسیار مخرب مواجه است، هنوز از عواقب بحران بزرگی که در سال ۲۰۰۷ آغاز گردید، نجات نیافته که با شیوع جهانی کرونا با بحرانی بسیار بزرگتر، وسیع‌تر و عمیق‌تر مواجه شده است. البته، پیش از آنکه ویروس کرونا ضربه قطعی خود را به این اقتصاد وارد آورد، از اواخر سال ۲۰۱۸ دیگر آشکار شده بود که جهان سرمایه‌داری به زودی با یک بحران اقتصادی جدید مواجه خواهد شد. با کاهش نرخ‌های رشد در مهم‌ترین کشورهای جهان، صندوق بین‌المللی پول و دیگر موسسات بین‌المللی جهان سرمایه‌داری، فرارسیدن یک بحران جدید را از اواخر سال ۲۰۱۹ پیش‌بینی کرده بودند.

در صفحه ۲

بیانیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

فاجعه جهانی کرونا
نشانه شکست و درماندگی
نظام سرمایه داری

در صفحه ۷

بحرانی بزرگتر از بحران ۲۰۰۷

صندوق بین‌المللی پول در گزارش آوریل سال ۲۰۱۹ گفته بود: "فعالیت اقتصادی جهانی به نحو قابل‌ملاحظه‌ای در نیمه دوم سال ۲۰۱۸ کاهش یافت. رشد چین زیر فشار جنگ تجاری و کنترل بانکی، کاهش یافت و اقتصاد منطقه یورو تحرکش را از دست خواهد داد.

ارزیابی صندوق بین‌المللی از اوضاع اقتصادی جهانی حاکی بود که رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری که در سال ۲۰۱۸ به ۲ / ۲ درصد کاهش یافته بود، در سال ۲۰۱۹ به ۲ / ۱ درصد، اتحادیه اروپا از ۱ / ۸ به ۱ / ۳ درصد و ایالات متحده که وضعیت اقتصادی آن بهتر از کشورهای دیگر است نیز از ۲ / ۹ به ۲ / ۳ درصد کاهش خواهد یافت. در این گزارش آمده بود که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ژاپن به یک درصد و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی چین نیز به کمتر از ۵ / ۶ درصد کاهش خواهد یافت.

در همین حال گزارش کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل حاکی بود که فروض جهانی، اکنون یکسوم بالاتر از ۲۰۰۸ و بیش از سه برابر تولید ناخالص داخلی جهان است. این بدهی‌ها در سال ۲۰۱۷ به ۱۹۳ تریلیون دلار رسید که معادل ۳۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی جهان است. گزارش تاکید داشت که این بدهی کلان کشورهای جهان، نه‌فقط یک ریسک مالی بزرگ است، بلکه سرمنشأ آسیب‌پذیری جدی به هنگام نزول اقتصادی است.

بنابراین مستثنی از شیوع ویروس کرونا، وقوع بحران جدید، اجتناب ناپذیر بود. آنچه که کرونا انجام داد، این روند را تسریع و تشدید و به آن ابعادی جدیدی داد. با شیوع کرونا به سراسر جهان، در نتیجه چشم انداز رکودی عمیق، از اواخر فوریه بازار سهام پی در پی سقوط کرد. برآوردها نشان داد که ارزش سهام مورد مبادله در بورس های جهان در موج اول آن، طی ۷ روز در مجموع ۷ هزار میلیارد دلار سقوط کرد.

در ماه مارس، موج دیگری از سقوط بهای سهام فرارسید. این در حالی بود که بانک مرکزی آمریکا نرخ پایه بهره بانکی را در این کشور به نزدیک صفر رسانده بود و از یک بسته محرک اقتصادی ۷۰۰ میلیارد دلاری خبر داد و اعلام کرد که در طی چند فقره عملیات، مجموعاً ۱۵۰۰ میلیارد دلار بدهی شرکت های آمریکایی را خریداری خواهد کرد. همچنین اعلام شد که این رقم تا ۴۰۰۰ میلیارد افزایش خواهد یافت.

به رغم تمام تلاش دولت آمریکا، روز ۲۳ مارس، شاخص های عمده بورس وال استریت برای سومین دوشنبه متوالی با کاهش های چشم گیر روبرو شدند.

اما اقدامات موسسات مالی و پولی دولت آمریکا برای مقابله با بحران کارساز نشد.

سرانجام ترامپ بسته مالی ۲۰۰۰ میلیارد دلاری را به تصویب کنگره و سنا رساند تا مانع از رکود گردد. قرار شد از این بسته مالی که یک سناتور حزب دمکرات آن را بزرگترین بسته

نجات تاریخ آمریکا نامید ۳۵۰ میلیارد به صورت وام به موسسات کوچک، ۵۰۰ میلیارد کمک به شرکت های هواپیمایی و دیگر شرکت ها، و چک های ۱۲۰۰ دلاری برای افراد بالغ و ۵۰۰ دلار برای اطفال به عنوان محرکی برای رونق بازار، اختصاص یابد.

با این همه گرچه در یک لحظه بازار سهام ظاهراً رونق گرفت، اما ادامه نیافت و روند سقوط ادامه یافت. قدرتمندترین اقتصاد جهان سرمایه‌داری وارد رکود شد.

هنوز چند روزی از آغاز این رکود نگذشته بود که اداره کار آمریکا در گزارش جدید خود اعلام کرد که ۲۸ / ۳ میلیون نفر درخواست حمایت از بیکاری ثبت کرده‌اند. براساس برآورد انجمن ملی رستوران‌های آمریکا نیز پیش‌بینی شده است که در سه ماه آینده تنها در این بخش، نزدیک به ۷ میلیون نفر کار خود را از دست خواهند داد.

اقتصاددانان آمریکایی نیز سقوط ۲۴ درصدی تولید ناخالص داخلی این کشور را در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی کرده‌اند. اگر این پیش‌بینی به واقعیت تبدیل شود، این سقوط اقتصادی، سه برابر بزرگتر از سقوط سه‌ماهه‌ای است که اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۰۸ در بحبوحه بحران مالی و اقتصادی متحمل شد.

یکی از تحلیل‌گران ارشد مورگان استانیلی می گوید: «گسترش اپیدمی کرونا به شدت اقتصاد آمریکا و جهان را تحریب خواهد کرد. بحران اقتصادی ناشی از این اپیدمی بسیار بزرگ تر از بحران مالی و اقتصادی سال ۲۰۰۸ خواهد بود. این بحران می تواند منجر به پائین ترین میزان رشد اقتصادی طی ۷۴ سال اخیر در آمریکا شود.»

وقتی که قدرتمندترین اقتصاد جهان اینچنین در برابر بحران زانو می‌زند، تکلیف دیگر کشورها روشن است. قدرتمندترین اقتصاد اروپا، آلمان نیز با وضعیت مشابهی روبه رو است.

به محض سقوط بازارهای سهام، دولت آلمان برای نجات موسسات آلمانی از ورشکستگی مبلغ ۵۵۰ میلیارد یورو اختصاص داد. اما این مسکن نیز کارساز نبود.

وزیر اقتصاد آلمان روز دوشنبه هفته گذشته برآورد کرد که سطح تولید این کشور در سال جاری میلادی و تحت تاثیر شیوع ویروس کرونا حدود ۵ درصد کاهش می یابد و این کشور را با رکود اقتصادی بی‌سابقه‌ای از بحران مالی سال ۲۰۰۸ تا کنون مواجه می‌کند.

یک موسسه پژوهشی (انستیتوی تحقیقات اقتصادی) در آلمان برآورد کرده است که زیان اقتصادی بحران کرونا برای آلمان می‌تواند تا ۷۲۹ میلیارد یورو افزایش یابد. این بحران به رکود تولید و بیکاری خواهد انجامید و بودجه را به شدت تحت فشار قرار خواهد داد. در صورتی که ادامه توقف بخشی از فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی به ماه سوم کشیده شود، این وضعیت، هزینه‌های بین ۳۵۴ تا ۷۲۹ میلیارد یورو خواهد داشت. در چنین شرایطی حجم اقتصاد آلمان بین ۱۰ تا نزدیک به ۲۱ درصد تحلیل می‌رود.

به گزارش رسانه‌های دولتی آلمان، "کلمنس فوست، رئیس موسسه مستقر در مونیخ می‌گوید شیوع کرونا برای اقتصاد آلمان، رکود، بیکاری و تبدیل بسیاری از اشتغال‌های کامل به پاره‌وقت را به دنبال خواهد داشت و بودجه سالیانه را با مشکلات عظیمی مواجه می‌کند.

وی هشدار داد که بحران کرونا تاثیرات ناخوشایندی بر بازار کار و اشتغال در آلمان خواهد داشت و احتمال می‌رود به بیکاری یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر و پاره وقت شدن شش میلیون شاغل منجر شود."

اوضاع در دیگر کشورهای اروپایی وخیمتر از آلمان خواهد بود. در این کشورها نیز با کاهش شدید نرخ بهره، مقادیر کلانی پول برای مقابله با ورشکستگی‌ها و کمک به موسسات تولیدی و خدماتی، خرید بدهی دولت‌ها و شرکت‌ها اختصاص یافته است.

تا کنون بانک مرکزی اروپا ۷۵۰ میلیارد یورو. فرانسه ۳۴۵ میلیارد یورو. انگلیس ۳۳۰ میلیارد پوند، کشورهای عضو گروه ۲۰ مبلغ ۵ تریلیون، ... در نظر گرفته‌اند.

سیاست‌های پولی و بانکی تا کنونی، تزریق پول، کاهش نرخ بهره بانکی و کمک به کسب و کارهای کمبینه و کسانی که درآمدشان را از دست داده‌اند، حتی در حد یک مسکن اثر نکرده است. اقتصاد تمام کشورها وارد رکود شده یا در آستانه این رکود بزرگ قرار گرفته‌اند.

مدیر کل سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی ضمن تاکید بر این که در ماه‌های آینده برخی از اقتصادهای بزرگ جهان وارد رکود می‌شوند و سال‌ها طول می‌کشد که آسیب اقتصادی کرونا جبران شود، می‌افزاید، ضربه اقتصادی همه‌گیری اخیر بیش از بحران جهانی سال ۲۰۰۸ بوده است.

سرانجام، رئیس صندوق بین المللی پول هفته پیش رسماً اعلام نمود: "اکنون آشکار است که ما وارد رکود شده‌ایم. با همان وخامت و ۲۰۰۹ و شاید بدتر. ... مسئله نگران کننده اما تاثیر دراز مدت توقف ناگهانی اقتصاد جهانی و خطر موج ورشکستگی‌ها و اخراج است که نه فقط می تواند مانع از بهبود گردد، بلکه می تواند بافت جوامع ما را از بین ببرد."

صندوق بین المللی پول تقاضای کمک برای اختصاص ۵ / ۲ تریلیون دلار به بازارهای به اصطلاح نوظهور از نمونه هند و برزیل را کرده است.

در آسیا نیز مهم ترین کشورها با بحران اقتصادی جدی مواجه‌اند. در چین تولید ناخالص داخلی در دو ماه نخست سال ۱۳ درصد و صادرات ۱۶ درصد کاهش یافته است. در کره جنوبی و ژاپن نیز به رغم بسته‌های مالی کلان دولتی برای نجات اقتصاد، اوضاع بر همین منوال است. آن دسته از کشورهایی که فعالیت های مرتبط با توریسم یکی از منابع مهم درآمد آن‌ها بوده است به ویژه کشورهای نظیر تایلند و سنگاپور که اقتصاد آن‌ها وابسته به گردشگری است تا همین لحظه متحمل طمات جدی شده‌اند. در برخی دیگر از کشورهای جهان که فروش نفت منبع اصلی درآمدهای آن‌ها محسوب می‌گردد، با کاهش بهای هر بشکه نفت با وضعیت وخیمی

یک ارزیابی از جنبش طبقاتی کارگران در سال ۹۸



سیاسی مبارزات کارگری پررنگ بود، بلکه جنبه‌های سیاسی و ضد دولتی شعارها و شعارنویسه‌ها نیز برجسته بود. اما اگر فراتر از شرایط عمومی، جنبش کارگری سال ۹۸ را مورد بررسی قرار دهیم و نگاه دقیق‌تری به آن بیندازیم، با درخشش‌ها و رویدادهای مهمی در این جنبش روبرو می‌شویم.

برجسته‌ترین رویداد جنبش کارگری در سال ۹۸ برگزاری مراسم اول ماه مه (یازده اردیبهشت) در مقابل مجلس است که تأثیر بسیار مهمی بر کل جنبش کارگری ایران و بر فضای سیاسی جامعه بر جای گذاشت. طبقه حاکم با سرکوب خشن کارگران هفت‌تپه، بازداشت و شکنجه و حبس اسماعیل بخشی، علی نجاتی، احضار و ارباب تعداد زیادی از کارگران فولاد، هیکو، آذرب، هفت‌تپه، بازداشت و شکنجه سپیده قلیان و سایر حامیان کارگران هفت‌تپه در نشریه گام، همچنین با بریدن حبس‌های طولانی‌مدت برای فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد، بر این تصور بود که کارگران را مرعوب ساخته است. ارتجاع حاکم خیال می‌کرد با تشدید سرکوب، از کارگران زهرچشم گرفته است و پرچم مبارزه مستقل طبقه کارگر که پاییز ۹۷ در هفت‌تپه به اهتزاز درآمد و تمام عرصه سیاسی جامعه را تسخیر نمود و سایر زحمت‌کشان را حول خود بسیج کرد، برای همیشه به زیر کشیده و کارگران را به پستوی خانه‌ها فرستاده است. رژیم سرکوبگر و ارتجاعی حاکم خیال می‌کرد با تشدید سرکوب و بگیروبیند و اعمال خشونت و بی‌رحمی، توانسته است طبقه کارگر را از عرصه سیاسی جامعه حذف کند. اما مراسم اول ماه مه سال ۹۸ پوچ بودن و باطل بودن تمام این تصورات را به اثبات رساند.

فراخوانی که ۴ اردیبهشت برای برگزاری مراسم اول ماه مه توسط سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه انتشار یافت مورد استقبال و حمایت کارگران و سایر گروه‌های اجتماعی قرار گرفت. علاوه بر تشکل‌های کارگری و تشکل‌های فعالان کارگری، دانشجویان، معلمان و بازنشستگان نیز با صدور اطلاعیه‌ها و بیانیه‌هایی به فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد لبیک گفتند و خود نیز، سایرین را به شرکت در مراسم دعوت نمودند. اول ماه مه (یازده اردیبهشت ۹۸) جمعیت نسبتاً زیادی مرکب از کارگران، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، زنان و جوانان در مقابل مجلس دست به تجمع زدند و با حمل پرچم‌ها و شعارنویسه‌ها و سردادن شعارهایی چون "نان کار آزادی حق مسلم ماست"، "تشکل تجمع حق مسلم ماست"، "بیکاری استثمار منطق سرمایه‌دار" و "کارگر دانشجو معلم اتحاد"، بر اتحاد کارگران و دیگر اقشار زحمتکش تأکید کردند. ابتکار عمل سندیکای کارگران شرکت واحد، آگاهی و موقعیت‌شناسی فعالان این سندیکا و دیگر کارگران پیشرو، توانست حمایت کارگران و سایر اقشار زحمتکش را جلب کند و اول ماه مه متفاوتی را رقم زد. سندیکای کارگران شرکت واحد سال‌های قبل‌تر نیز

مراسم‌های مستقل کوچک‌تری به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار نموده بود و از جمله در چند سال اخیر با حمل بنر بزرگ گرامی داشت اول ماه مه و پخش تراکت و گل و شیرینی در پایانه‌های اتوبوسرانی، به استقبال روز جهانی کارگر رفته بود. اما هیچ‌یک از این مراسم‌ها با مراسم اول ماه مه ۹۸ قابل‌مقایسه نبود و نیست. درست در لحظاتی که ارتجاع حاکم تصور می‌کرد جنبش کارگری را قلع‌و‌قمع و صدای کارگران را برای همیشه خفه ساخته است، پرچم اول ماه مه به اهتزاز درآمد. اول ماه مه تمام فضای سیاسی جامعه را تحت تأثیر خود قرارداد. اول ماه مه به یک معنا اعلام حضور سیاسی طبقه کارگر در جامعه بود. در اول ماه مه یک اقدام اعتراضی و یک حرکت جمعی متشکل از کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه بر محوریت طبقه کارگر رقم خورد و اتحاد امپدبخشی را سازمان داد. اول ماه مه یکبار دیگر نشان داد - چنان‌که مبارزات پاییز ۹۷ کارگران فولاد و هفت‌تپه نیز نشان داده بود- هرآینه طبقه کارگر پرچم مبارزه را برافرازد، سایر زحمت‌کشان نیز از آن استقبال می‌کنند و با شوق و امید برگرد آن حلقه می‌زنند. اول ماه مه نشان داد که طبقه کارگر و بخش پیشرو آن، پیشگام و پیش‌تاز مبارزه علیه نظم موجود است و آرام‌آرام در راستای ایفای نقش بی‌بدیل و رسالتی که بر عهده این طبقه است، گام برداشته و از تلاش و تمرین اولیه و کسب تجربه استقبال می‌کند.

درخشش دیگر جنبش کارگری در سال ۹۸ در مبارزات و اعتصابات کارگران هفت‌تپه تجلی یافت. این مبارزات و اعتصابات به‌ویژه در تحت شرایط تشدید سرکوب و خفقانی که پس از بازداشت و شکنجه اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت‌تپه و نیز احضار و بازداشت ده‌ها کارگر هفت‌تپه، در این شرکت برقرار شد اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. اعتصابی که در اول مهر با خواست بازگشت به کار ۲۰ کارگر اخراجی آغاز شد، بلافاصله با خواست‌های دیگری از جمله لغو خصوصی‌سازی شرکت، آزادی و بازگشت به کار اسماعیل بخشی تکمیل شد. شعار "اسماعیل رو گرفتن ما همه بخشی هستیم" که نشان از رشد آگاهی سیاسی کارگران هفت‌تپه داشت، از همان روزهای نخست اعتصاب و تجمع توأم با سخنرانی کارگران پیشرو و نمایندگان کارگران، به یکی از شعارهای اصلی کارگران تبدیل شد. بازداشت و حبس ۲۰ کارگر، تعقیب و پیگرد تعداد دیگری از کارگران و نمایندگان آن‌ها، حتی یورش به منازل کارگران و ربودن ۱۱ کارگر دیگر در بین راه و مسیر شوش-تهران نیز نتوانست اعتصاب را درهم بشکند و خلی در اراده کارگران به ادامه اعتصاب ایجاد کند. این اعتصاب در دو مرحله بیش از ۷۰ روز ادامه یافت. کارگران هفت‌تپه با هوشیاری خود، تمام تلاش‌ها و ترفندهای کارفرما و حامیان دولتی آن را برای ایجاد شکاف و دودستگی در میان کارگران خنثی ساختند و نمونه مهم دیگری از اتحاد طبقاتی،

اتحاد میان کارگران کشاورزی و کارگران غیر کشاورزی را به نمایش گذاشتند. در جریان این اعتصاب بود که شمار بیشتری از کارگران پیشرو پا پیش گذاشتند و اعتصاب را رهبری و هدایت کردند. اعتصاب مهرماه هفت‌تپه، تعداد بیشتری از کارگران پیشرو را به صحنه مبارزه فرستاد و رهبران عملی بیشتری را در مکتب خود آموزش داد و این از دستاوردهای مهم اعتصاب بود. در اعتصاب هفت‌تپه همچنین گرایش معینی از درون کارگران که از بیرون هم حمایت و تقویت می‌شد، تحت هر عنوان و توجیه و بهانه‌ای، مدام بر استمداد طلبی از رئیس جلد رئیس فوه قضائیه اصرار می‌ورزید و با جریان سیستماتیک و برنامه‌ریزی‌شده‌ای که در اطراف "عدالت‌خواهی" و "انصاف‌گرایی" وی به راه افتاده بود همراه می‌شد. این گرایش اما در عمل راه به‌جایی نبرد و ایزوله شد.

همیای هفت‌تپه، هیکو و آذرب نیز سال ۹۸ در جنبش کارگری خوش درخشیدند. کارگران هیکو و آذرب در چند نوبت، از جمله در اردیبهشت و شهریور و مهر، به‌طور گسترده و یکپارچه دست به اعتصاب زدند و بلافاصله در خیابان‌های شهر اراک به تظاهرات و راهپیمایی پرداختند. علاوه بر پرداخت به‌موقع دستمزد و حق بیمه و ضمانت شغلی، خواست اصلی کارگران لغو خصوصی‌سازی شرکت بود. بیش از ۳ هزار کارگر در این دو واحد، گاه مجزا از هم، گاه به‌اتفاق و بازو در بازو، پس از اعتصاب روزهای متوالی در خیابان‌های شهر رژه رفتند. خطوط راه‌آهن را مسدود کردند. شعار فراموش ناشدنی "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی..." بار دیگر نه‌فقط در میان کارگران و زحمت‌کشان اراک بلکه در مقیاس تمام کشور و کل جنبش کارگری طنین‌انداز شد. "مشکل ما حل نشه شهر قیامت می‌شه" هشدار کارگران هیکو و آذرب در اعتراضات خیابانی بود. هیکو از آذرب حمایت می‌کرد و آذرب با شعارهایی چون "زندباد هیکو"، "پاینده هیکو" و "برقرار هیکو" حمایت و همبستگی خود را با هیکو اعلام می‌کرد.

در شرایط بعد از پاییز سال ۹۷ که اعتراضات خیابانی کارگران فولاد و هفت‌تپه فروکش کرده بود، این اعتراضات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و در واقع گویای تداوم اعتراضات کارگری در شکل تظاهرات خیابانی و مبین پیش‌تازی کارگران در این زمینه بود. به‌رغم مقابله بی‌رحمانه و خشونت‌بار دستگاه حکومتی با کارگران، اما پیگیری و استمرار اعتصاب و مبارزات پرشور خیابانی کارگران هیکو و آذرب، عزم و اراده واحد کارگران به ادامه مبارزه تا تحقق خواست‌های خود، پس از سه

یک ارزیابی از جنبش طبقاتی کارگران در سال ۹۸



Fars News Agency

نقطه ضعف، در سال ۹۸ نیز آشکار تر شد. صرف نظر از اعتصابات بزرگ و طولانی مدت و راه پیمائی و تظاهرات در هپکو و آذراب و هفت تپه و کنتورسازی و واحد های مشابه که بسیاری از آنها گرفتار مشکلات خصوصی سازی شده و در معرض تعطیل قرار گرفته اند اما صدای اعتراض و اعتصاب در واحد ها و صنایع بزرگ شنیده نشد. اگر از معدود اعتصابات کوتاه مدت در برخی پتروشیمی های ماهشهر و یا کارگران پیمانی پالایشگاه نفت آبادان و برخی دیگر از شرکت ها در منطقه پارس جنوبی و عسلویه و امثال آن بگذریم، اما صنعت نفت و سایر صنایع بزرگ مانند خودروسازی، صنایع پتروشیمی اساساً خاموش بودند. اعتصاب و اعتراض در پتروشیمی ها بسیار اندک و به هیچ وجه با چند سال گذشت قابل مقایسه نیست. در ایران خودرو، سایپا و سایر خورو سازی ها اعتراض و اعتصاب قابل توجهی از نوع هپکو و هفت تپه و آذراب دیده نمی شود. صنایع بزرگ که نقش بسیار مهمی در اقتصاد کشور دارند و خواباندن تولید در این صنایع بدون شک نقش و تأثیر مهمی بر روند تحولات سیاسی جامعه خواهد گذاشت، متأسفانه از شرکت هایی چون هفت تپه و هپکو و آذراب که آگاهی سیاسی کارگران بسیار بالاست به نحو درآوری عقبتر هستند. این در حالی است که کارگران صنایع خودروسازی در همین چند سال گذشته اعتصابات بزرگی داشته اند به ویژه پتروشیمی ها، پرچمدار تجمعات و اعتصاب سراسری بوده اند. در حال حاضر در شرایطی که در برخی شرکت ها و کارخانه ها از نمونه فولاد اهواز، هپکو، آذراب و هفت تپه آگاهی سیاسی کارگران به حدی افزایش یافته است که لئرناتیو کارگری و شورانی را در برابر نظم حاکم قرار داده اند و اعتصابات بزرگ و تظاهرات پرشوری با خواست ها و شعارهای سیاسی و ضد دولتی و حتی ضدسرمایه داری را سازمان داده اند، اما در نفت و سایر صنایع بزرگ حتی اعتراض و اعتصاب اقتصادی قابل توجهی دیده نمی شود. جنبش طبقاتی کارگران از یک آموزشی شدید رنج می برد. این که چرا و به چه علت هایی کارگران صنایع بزرگ وارد کارزار مبارزاتی و اعتصاب نشده اند، باید مورد واکاوی و بررسی قرار بگیرد و ریشه های آن تجزیه و تحلیل شود. واکاوی علل و عوامل این موضوع، از جمله بررسی دقیق شرایط کار، میزان دستمزد و مزایا و غیره، موضوع این مقاله نیست و نوشته جداگانه ای باید به آن اختصاص داد. در حال اما روشن است که این

در صفحه ۶

قرار داشت ده ها کارگر این شرکت بازداشت شدند که در زیر بازجویی به شدت مورد ارباب و تهدید قرار گرفته به زندان افتادند و تنها پس از گذشت مدتی، با سپردن وثیقه های سنگین از زندان آزاد شدند. احضار و بازجویی و زندان و پرونده سازی علیه کارگران پیشرو و فعالان اعتصاب به موارد بالا خلاصه نمی شود. افزون بر متجاوز از ۲۰۰ کارگر هپکو، هفت تپه و آذراب، ده ها کارگر دیگر در کارخانه ها و شرکت های مختلف از جمله فولاد، سیمان کارون، کاغذسازی پارس، پتروشیمی کیمیا، شرکت واحد به دادگاه احضار شده، مورد بازجویی و ارباب قرار گرفته بخشا به زندان افتاده یا از ورود آن ها به محل کار ممانعت به عمل آمده است. در تشدید فشار بر کارگران زندانی و مدافعان طبقه کارگر همین بس که گفته شود برخی وکلایی که وظیفه دفاع از آن ها را برعهده گرفته بودند نیز خود به دادگاه احضار شدند و مورد تهدید قرار گرفتند. اگر کمیت و حجم بزرگ احضار و بازداشت و آزار و شکنجه های وحشیانه کارگران و مدافعان حقوق آن ها در سال ۹۸ کم سابقه بود، در عوض اعتراض و مقاومت در زندان ها نیز پر حجم و بسیار پراهمیت بود. سوی دیگر تمام فشار ها و شکنجه ها، مقاومت و ایستادگی شجاعانه بازداشت شدگان بود. تمام متهمان پرونده هفت تپه و اول ماه مه و سایر کارگران پیشرو و فعالان سندیکائی بازداشت شده، در زیر فشار ها، شکنجه ها، محرومیت ها و محدودیت های گوناگون سرفرازانه مقاومت کردند. بارها نسبت به بازداشت خود در اشکال گوناگون اعتراض کردند و حتی دست به اعتصاب غذای خشک و تر زدند، تا یک قدمی مرگ پیش رفتند و تا پای جان ایستادند.

در ادامه تلاش های نافرجام رژیم برای سندیکا سازی و بی اعتبار ساختن تشکلهای مستقل کارگری، جنبش کارگری در سال ۹۸ علاوه بر تلاش های رژیم برای تخریب کارگران پیشرو و فعالان سندیکائی و حذف آن ها از عرصه فعالیت های کارگری و سیاسی با پدیده ای ایجاد و تقویت شوراهای اسلامی کار توسط کارفرمایان و حامیان دولتی آن ها روبرو بود. جنبش کارگری البته نسبت به این تلاش ها هوشیار بود. کارگران نیز با حمایت از تشکلهای مستقل کارگری و نمایندگان واقعی خود، چنان که ترقدها و توطئه های رنگارنگ پیشین رژیم را خنثی و با شکست روبرو ساخته بودند، این تاکتیک کارفرمایان و حامیان دولتی شان را نیز خنثی ساختند.

جنبش کارگری در سال ۹۸ اگرچه از اواخر آبان تا حد زیادی تحت الشعاع قیام آبان و سپس روی دادهای مهم دیگری مانند شلیک موشک به هواپیمای مسافربری اوکراین و بعد از آن اعتراضات دانشجویی در آذر ماه و در ادامه تظاهرات توده ای دی ماه و سرانجام شیوع ویروس کرونا قرار گرفت، اما بیشتر سال ۹۸ را پرچوش و خروش بود و در ادامه جنبش طبقه کارگر در سال ۹۷ گام برداشت.

با این همه جنبش طبقه کارگر از یک ضعف بزرگ در رنج بوده است که این نقص و کمبود و

سال مبارزه بی وقفه، سرانجام برای نخستین بار دولت پذیرفت از مالک خصوصی هپکو خلعید و آن را به سازمان خصوصی سازی واگذار کند. دولت و برخی مقامات دولتی همچنین پذیرفتند که در روند خصوصی سازی ها اشکالات جدی وجود داشته و برخی خریداران فاقد "اهلیت" بوده اند. عقب نشینی دولت تا آنجا پیش رفت که شریعتمداری وزیر کار فعلی و ربیعی وزیر کار قبلی کابینه روحانی، رسماً از ضرورت بازنگری این گونه واگذاری ها و حتی از ضرورت بررسی و تغییر قانون واگذاری ها سخن به میان آوردند. اگرچه دولت و وزرای روحانی به وعده های خود عمل نکردند و پس از چند بار دست به دست شدن هپکو، سرانجام ۷۰ درصد سهام آن به بخش خصوصی واگذار شد، اما این موضوع از اهمیت مبارزات پیگیرانه هپکو و آذراب و مخالفت کارگران با سیاست خصوصی سازی دولت کم نمی کند.

باید اضافه کرد که جنبش کارگری در سال ۹۸ در حالی از این درخشش ها برخوردار شد که ارتجاع اسلامی و کل طبقه حاکم سیاست سرکوب کارگران و فعالان کارگری و تشکلهای مستقل کارگری را تشدید کرد و در ابعادی وسیع و بسیار فزون تر از سال های قبل تر به اعمال قهر و خشونت و ارباب و زندان متوسل شد. در یورش وحشیانه به تجمع مسالمت آمیز اول ماه مه، تعداد زیادی از اجتماع کنندگان با خشونت و بی رحمی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و ده ها تن دیگر از جمله ۷ عضو سندیکای کارگران شرکت واحد، ۹ دانشجو، ۲ عضو کانون نویسندگان ایران، چند فعال کارگری، چند تن از زنان مبارز و آزادی خواه و فعال حقوق اجتماعی و چندین نفر دیگر بازداشت و روانه زندان شدند. تعداد زیادی از این افراد مورد شکنجه های جسمی و روانی قرار گرفتند و پس از چند ماه بلاتکلیفی، به حبس های طولانی مدت محکوم شدند و پس از ماه ها، تنها با سپردن وثیقه های سنگین به طور موقت از زندان آزاد شدند.

در جریان اعتصاب مه ره هفت تپه نیز در همان آغاز ۲۰ تن از کارگران و فعالان اعتصاب بازداشت و به زندان ذفول منتقل شدند و ده ها تن دیگر به کرات احضار و مورد بازجویی و ارباب قرار گرفتند. علاوه بر اسماعیل بخشی کارگر مبارز و نماینده کارگران هفت تپه و علی نجاتی عضو با سابقه سندیکای کارگران هفت تپه و سپیده قلیان از حامیان کارگران هفت تپه که مورد انواع آزارها و شکنجه های جسمی و روانی قرار گرفتند، سایر متهمان پرونده هفت تپه در نشریه اینترنتی "گام" نیز مورد آزار و شکنجه واقع شدند و سرانجام همه ای آن ها به حبس های طولانی مدت و بعضاً شلاق محکوم شدند.

در هپکو و آذراب نیز اعتصابات و اجتماعات کارگران مورد یورش وحشیانه مزدوران سرمایه قرار گرفت که ده ها کارگر به سختی مجروح شدند. سرکوبگران علاوه بر گاز اشک آور، گلوله های پلاستیکی و حتی گلوله های ساچمه ای به روی کارگران شلیک کردند. در حالی که آذراب چند روز در محاصره نیروهای سرکوب

کشتار کنترل شده مردم ایران به جای مبارزه جدی با ویروس کرونا

در دستور کار خود قرار داده اند. خامنه ای از همان ابتدا با تکرار اینکه اگرچه ویروس کرونا "بلائی" است، اما نباید آن را "بزرگ" کرد، نشان داد که کمترین ارزشی برای جان توده های مردم ایران قائل نیست. حسن روحانی هم، که بالاترین مقام اجرایی کشور است و به همین اعتبار در راس ستاد ملی مبارزه با ویروس کرونا جا خوش کرده است، با اصرار بر عدم قرنطینه کردن شهرهای آلوده به ویروس کرونا و با تاکید بر اینکه ۷۰ درصد توده های مردم ایران باید به این بیماری مبتلا شوند تا ایمنی جمعی بوجود آید، به وضوح نشان داده است که به غیر از برنامه ریزی برای قتل عام تدریجی مردم ایران، هیچ راه حل دیگری برای مقابله با ویروس کرونا در سر ندارد. راهبرد استراتژیک جمهوری اسلامی در قتل عام تدریجی و کنترل شده مردم ایران، اگرچه از همان آغاز تا حدود زیادی برای همه آگاهان روشن بود، اما با گذشت هر روز و در پی بی عملی آشکار هیئت حاکمه ایران در مبارزه جدی و ضربتی با ویروس کرونا، اکنون برای همگان روشن شده است که جمهوری اسلامی چه اهداف شوم و نقشه های جنایتکارانه ای برای مردم گرفتار به ویروس کرونا در سر دارد. سخنان اخیر خامنه ای و نیز آخرین اعلام راه کار عملی روحانی جهت مقابله جدی تر با شیوع بیماری کرونا در ایران، بیان روشنتری از ادامه همان سیاست کشتار تدریجی توده های مردم ایران در مواجهه با شیوع مرگبار ویروس کرونا است. خامنه ای در ادامه موضع گیری های قبلی خود که همواره بر کم اهمیت جلوه دادن ویروس کرونا در ایران تاکید داشته است، اینبار نیز وقیحانه تر از پیش طی جملاتی جنجالی، بر همدستی دشمنان "جنی" و "انسی" علیه جمهوری اسلامی در شیوع بیماری کرونا تاکید کرد. او روز سوم فروردین، طی پیامی ضمن اشاره به "دشمنی ها" با حکومت ایران گفت: "هم دشمنان جنی، هم دشمنان انسی وجود دارند و این ها به هم کمک می کنند، سیستم های اطلاعاتی خیلی از کشورها علیه ما با همدیگر همکاری می کنند". رهبر جمهوری اسلامی با این هذیان گویی و لاطانات خود، بجای یک اقدام جدی برای مبارزه با ویروس کرونا، نشان داد که تا چه حد در چنبره توهم تئوری توطئه و خرافات اسلامی خود گرفتار است. این اظهارات خرافاتی خامنه ای، آنچنان مایه بی آبرویی نظام شد، که اغلب خبرگزاری های حکومتی که این پیام را منتشر کرده بودند، ساعاتی بعد به طور همزمان جمله مربوط به "دشمنان جنی" را از خبرهای خود حذف کردند. علاوه بر خامنه ای، حسن روحانی نیز که از ۳۰ بهمن تا به امروز، مدام با گفتار درمانی دروغین خود سعی کرده است تا ابعاد این فاجعه مرگبار را کوچک، و اوضاع را برای مردم ایران عادی جلوه دهد، اکنون از سختگیری بیشتر دولت در ممانعت از تردد بین شهرها و استان ها خبر داده است. روحانی، روز چهارشنبه ۶ فروردین، در آخرین

جلسه هیئت دولت، از مردم خواست تا از فردا برای سختگیری بیشتر آماده شوند. او در توضیح سختگیری های مورد نظر دولت گفت: "تصمیمات برای مردم سخت خواهد بود و ممکن است پارک ها و بوستان ها بسته شود و سیزده بدر مانند سال های قبل نباشد، مردم باید به شرایط سخت تر قناعت کنند زیرا چاره ای جز این نداریم و حفظ جان مردم برای ما بسیار مهم است". عجب! پس از یک ماه نیم از شیوع رسمی ویروس کرونا در ایران، که تا کنون هزاران مبتلا و هزاران نفر دیگر جان خود را از دست داده اند، دولت جمهوری اسلامی تازه به فکر "حفظ جان مردم" افتاده است تا با محدود کردن تردد میان شهرها و بوستان پارک ها به حفظ جان توده های مردم کمک کند. حسن روحانی در ابتدای سخنان خود، با گفتن "حفظ جان مردم برای ما بسیار مهم است" و اینکه "مردم باید به شرایط سخت تر قناعت کنند"، آنچنان به سخنان خود آب و تاب داد که ابتدا به ساکن، همه نگاه ها معطوف به اقدامات عملی دولت در قرنطینه کردن تعدادی از شهرهای ایران شد. اما از آنجا که استراتژی دولت بر مبنای اصل "قرنطینه بی قرنطینه" است، با ادامه صحبت های او روشن شد که اساسا قرنطینه ای در کار نیست و هرگز هم در کار نخواهد بود. توضیحات بعدی علی ربیعی، سخنگوی دولت نیز نشان داد که نه تنها قرنطینه ای در کار نیست، بلکه تصمیمات "سختگیرانه دولت، در راستای همان سیاست قبلی، صرفا اقدامی برای جلوگیری از سرعت فراگیری ویروس کرونا و کنترل شتاب مرگ و میر حاصل از آن است. علی ربیعی در توضیح اقدامات جدید دولت گفت: "سفرهای جدید و خروج از شهرها ممنوع است. این که چه کسانی برای چه کارهایی می توانند از شهرهایشان خارج شوند آئین نامه آن در وزارت کشور تصویب و ابلاغ خواهد شد". با این توضیحات علی ربیعی، کاملا روشن است که "سختگیری های جدید" مورد نظر دولت، اقداماتی صرفا برای ایجاد یک سری محدودیت های کنترل شده در مسیر اجرای همان سیاست مبتلا کردن ۷۰ درصدی توده های مردم ایران به ویروس کرونا است. اینکه با گذشت یک ماه و نیم از تأیید رسمی وجود کرونا در ایران، اکنون دولت به فکر ایجاد محدودیت تردد میان شهرها و بوستان پارک ها افتاده است، ناشی از افزایش غیر معقول مبتلایان و کشته شدگان ویروس کرونا از نگاه دولت است، که این روزها با شیب تندی شتاب گرفته است. موضوعی که پیشبرد سیاست تا کنونی جمهوری اسلامی در مقابله با ویروس کرونا را با چالش های درونی و بیرونی مواجه کرده است. عملکرد تا کنونی هیئت حاکمه ایران در مبارزه با ویروس کرونا، انتقادهای تند و تیزی را در داخل و خارج برانگیخته است. در عرصه داخلی، موجی فزاینده علیه "پنهانکاری های عامدانه"، ارائه آمارهای جعلی و بی کفایتی دولت در مبارزه با ویروس کرونا به راه افتاده

است. روسای دانشگاه های علوم پزشکی شهرهای مختلف، پزشکان و کادر درمانی بیمارستان ها و حتا تعدادی از نمایندگان مجلس ارتجاع اسلامی تا کنون به دفعات نسبت به اعلام آمارهای دروغین دولت واکنش نشان داده و با تاکید بر آمار بسیار بالای مبتلایان و جانباختگان نسبت به وضعیت موجود هشدار داده اند. علاوه بر نمایندگان قم و رشت، اخیرا رضا شیران، نماینده مشهد نیز آمار کشته شدگان را دست کم هشت برابر آمارهای رسمی دانسته است. این نماینده مجلس ارتجاع، روز جمعه ۸ فروردین، با انتقاد از آمار وزارت بهداشت به خبرگزاری ایلنا گفت: "یک بیماری شیوع پیدا کرده که اسم خارجی اش کرونا ویروس است و در داخل نامش "بیماری حاد تنفسی" می شود. بعد می گویند مثلا در خراسان ۴۰۰ نفر بر اثر بیماری حاد تنفسی و ۵۰ نفر بر اثر کرونا فوت کرده اند". نمونه دیگر، واکنش انجمن اسلامی مهندسان ایران، به دبیر کلی ابراهیم اصغرزاده است که خود از حامیان روحانی بوده است. این انجمن که از سری تشکل های سیاسی موسوم به اصلاح طلبان حکومتی است، روز شنبه ۹ اسفند طی نامه ای سرگشاده به حسن روحانی، ضمن واکنش به عملکرد تاکنونی جمهوری اسلامی، خواهان "دستور قاطع" برای منع کامل تردد شده و از "گروه های واپسگرا" و "تصورات توطئه محورانه" در باره شیوع کرونا در ایران انتقاد کرده است. جدای از موارد فوق، اظهار نظر اخیر علی اکبر حق دوست، رئیس کمیته اپیدمیولوژی ستاد ملی کرونا است، که آشکارا پرده از پنهانکاری بی شرمانه جمهوری اسلامی در مورد اعلام تاریخ ورود ویروس کرونا به ایران برداشته است. پس از یک ماه و نیم پنهانکاری و تاکید مکرر مقامات حکومتی که در ۳۰ بهمن از وجود رسمی کرونا در ایران باخبر شده اند، اکنون علی اکبر حق دوست، رئیس کمیته اپیدمیولوژی ستاد ملی کرونا گفته است، که این ویروس از "اوایل بهمن بسیار آرام و خزنده و بی سر و صدا در چند شهر در حال گردش بوده است". البته این فرد، با گفتن اینکه "موارد اول، بی علامت بوده اند یا علائم اختصاصی نداشته اند، به همین علت ما نتوانستیم در آن زمان آن را شناسایی کنیم"، سعی کرده تا هم حریم امنیت شغلی خود را حفظ کند و هم راه فراری برای ادامه پنهانکاری و دروغ بافی های پیشین جمهوری اسلامی باز گذاشته باشد. در عرصه بین المللی نیز پیشتر ریک بریان، مسئول خاورمیانه ای بخش اورژانس سازمان بهداشت جهانی، میزان واقعی مبتلایان و کشته شدگان را دست کم پنج برابر آمار رسمی دولت اعلام کرده بود. در وضعیتی که جمهوری اسلامی به دلیل پنهانکاری، ارائه آمار جعلی و قرنطینه نکردن شهرهای کاملا آلوده به ویروس کرونا از هر طرف با انتقاد و فشار مواجه است، اخراج و ممانعت از کار تیم پزشکی سازمان پزشکان بدون مرز که طبق گفته علی ربیعی سخنگوی دولت، با توافق و هماهنگی دولت

کشتار کنترل شده مردم ایران به جای مبارزه جدی با ویروس کرونا

از صفحه ۴ یک ارزیابی از جنبش طبقاتی کارگران در سال ۹۸

نقص و کمبود، یک نقطه ضعف بزرگ جنبش طبقه کارگر است. این درست است که در چند سال اخیر جنبش کارگری گام‌های مهمی به جلو برداشته و پیوسته در صحنه سیاسی حاضر و پیش‌تاز بوده است، این نیز حقیقتی است که طبقه کارگر یگانه طبقه‌ای است که از ظرفیت و شایستگی هدایت مجموعه جنبش‌های اجتماعی برخوردار است، اما طبقه کارگر برای این‌که بتواند این وظیفه و نقش و رسالت خود را با موفقیت انجام دهد، ضروری است که کارگران صنایع بزرگ که در عین حال بخش قابل توجهی از کارگران را تشکیل می‌دهند نیز وارد عرصه مبارزه شوند تا این ناموزونی و نقطه ضعف بزرگ جنبش طبقه کارگر در لحظه فعلی برطرف گردد.

در قیام چندروزه آبان، در اعتراضات توده‌ای دی‌ماه صدها هزار تن از مردم زحمتکش و تهیدست جامعه برای سرنگونی نظم موجود به‌پاخواستند و به خیابان آمدند. تردیدی نیست که کارگران نیز به‌طور فردی در این اعتراضات و خیزش‌ها حضور داشتند، اما غیبت حضور متشکل کارگران در این روی‌دادهای بزرگ را نمی‌توان انکار نمود. شکی نیست که با پیشرفت جنبش و اعتلای بیشتر آن، کارگران صنایع بزرگ نیز اعتصابات اقتصادی و سیاسی را سازمان خواهند داد و نقش خود را در تحولات سیاسی ایفا خواهند نمود. اما نمی‌توان و نباید در انتظار روز موعود نشست. باید هرچه زودتر دست‌به‌کار شد، کمیته‌های اعتصاب را در تمام صنایع بزرگ ایجاد کرد، اعتصابات اقتصادی و سیاسی سراسری را سازمان داد و اعتصاب عمومی سیاسی را تدارک دید. انجام این وظیفه مهم و مبرم، قبل از هرکس بردوش کارگران آگاه و بخش پیشرو و متشکل طبقه کارگر است.

ورود کمک‌های جهانی به سوی جمهوری اسلامی باز شد و امکانات درمانی، دارویی همراه با تیم پزشکی سازمان پزشکیان بدون مرز وارد ایران شدند، خامنه‌ای وارد میدان شد و با اعلام همدستی "دشمنان جنی و انسی" مانع از اجرای این بخش از سیاست‌های دولت شد.

پیشبرد سیاست کشتار تدریجی و کنترل شده مردم ایران آنچنان آشکار است که حتا عباس عیدی از حامیان سفت و سخت رژیم هم به آن واکنش نشان داده است. عباس عیدی از عناصر تأثیرگذار در جمع اصلاح‌طلبان حکومتی که مراد هابی هم با اصولگرایان دارد، روز جمعه ۸ فروردین، در یادداشتی که در کانال تلگرامی خود منتشر کرده، نوشته است، به نظر می‌رسد یکی از علت‌های عدم رغبت دولت برای اتخاذ تصمیمات سخت در این مورد [اعلام قرنطینه برای مهار شیوع ویروس کرونا] این است که حسن روحانی، "گمان می‌کند که اکنون بهترین فرصت برای حل مسئله تحریم‌ها و سپس آغاز گفتگوها [با آمریکا] است... به نظر می‌رسد که این وجه از سیاست برای رئیس دولت در اولویت قرار دارد."

تمام تصمیمات و عملکرد تا کنونی دولت جمهوری اسلامی، از پنهانکاری گرفته تا دادن آمارهای جعلی و دروغین در مورد تعداد مبتلایان و جان باختگان، از مخالفت شدید دولت در قرنطینه کردن شهرها گرفته تا گفتار درمانی و قیحانه حسن روحانی در گرفتار گرفتن ۷۰ درصد مردم ایران به ویروس کرونا، تماماً در انطباق با پیشبرد سیاست کشتار کنترل شده و تدریجی توده‌های مردم ایران است.

صورت گرفته بود، خود مزید بر علت شد تا در عرصه جهانی نیز واکنش‌های انتقادی بیشتری نسبت به عملکرد جمهوری اسلامی صورت گیرد. تازه ترین نمونه اش، واکنش ۱۴ برنده علمی و پزشکی جایزه نوبل است، که در واکنشی علنی دولت ایران را به جدی نگرفتن مبارزه با شیوع ویروس کرونا و رها کردن مردم به حال خود، متهم کرده اند.

گفته‌های سخنگوی دولت، اخراج و ممانعت از کار تیم پزشکی سازمان پزشکیان بدون مرز و موارد دیگری از این دست که این روزها بازتاب رسانه‌ای پیدا کرده اند، عملاً بیانگر وجه دیگری از اختلافات درونی هیئت حاکمه ایران در مبارزه با ویروس کرونا و سیاست عملی دولت در بهره برداری از این بحران فاجعه بار است. چنانچه شاهد بوده ایم، برای پیشبرد این سیاست از دو هفته پیش، ظریف راه افتاد و با استفاده از تمام روزه‌های دیپلماتیک از جامعه جهانی درخواست کمک کرد. مدام در همه جا جار زد، جمهوری اسلامی تحت تحریم است، امکانات ما کم است، تخت بیمارستانی به اندازه کافی نداریم و پزشک و وسایل درمانی ما کم است. همه این جار و جنجال‌ها با هدف ایجاد روزه‌هایی در به تعلیق درآوردن تحریم‌ها حتا به صورت موقت بود. در واقع دولت با استفاده از فرصت پیش آمده از فاجعه ویروس کرونا و عدم قرنطینه کردن شهرهای کاملاً آلوده در صدد بوده است تا با گسترش مراد هابی سیاسی با دولت‌های غربی و درخواست کمک از صندوق بین‌المللی پول، گام‌های موثری در مسیر ایجاد شکاف در تحریم‌ها بردارد. اما درست زمانی که راه‌های

بحرانی بزرگتر از بحران ۲۰۰۷

مواجه خواهند شد. بهای هر بشکه نفت به کمتر از ۳۰ دلار کاهش یافته است.

آنچه که از به هم ریختگی اوضاع اقتصادی جهان در طول یک ماه اخیر بر می‌آید، این است که جهان سرمایه‌داری با بحرانی بزرگتر از بحران ۲۰۰۷ مواجه خواهد بود. این بحران یک رشته عواقب فوری در پی خواهد داشت که مهمترین آن‌ها عواقب هر بحران اقتصادی برای کارگران است. با این تفاوت که ابعاد آن این بار بسیار وخیم‌تر خواهد بود. بیکاری ده‌ها میلیون کارگر، تنزل سطح معیشت کارگران و گسترش بی سابقه فقر. در همین حال، آنچه که از هم اکنون آشکار است، این بحران منجر به تغییراتی در سیاست اقتصادی بین‌المللی طبقه سرمایه دار خواهد شد. بحران ۲۰۰۷ ورشکستگی سیاست جهانی سازی و اقتصادی نئولیبرال را نشان داد. اکنون دولت‌ها زیر فشار بحران، ناگزیر به انجام

اقداماتی می‌شوند که مغایر این سیاست است. آن‌ها ناگزیر می‌شوند موسسات تولیدی و خدماتی مهم را که دچار ورشکستگی می‌شوند به تملک دولت درآوردند. در ایتالیا دولت بزرگترین ایرلاین این کشور را به تملک خود در آورده است. دولت اسپانیا بخش خدمات بهداشتی و درمانی را دولتی کرده است. دولت فرانسه اعلام کرده آماده است موسسات بحران زده را ملی کند. دولت آلمان نیز اعلام کرده است سیاست دولتی کردن را در مورد موسساتی که قادر به ادامه حیات نیستند بر عهده خواهد گرفت. بحران کرونا منجر به تمرکز هرچه بیشتر بر داخل هر کشور و تقویت نقش داخلی دولت‌ها و گرایش‌های ناسیونالیستی شده است. با این بحران، تعداد بیشتری از دولت‌ها مسیر دولت‌های آمریکا و انگلیس را در پیش خواهند گرفت. اتحادیه اروپا که حتی نتوانست یک سیاست مشترک برای مقابله با کرونا و هزینه‌های آن اتخاذ کند، از هم اکنون خطر را احساس کرده و رئیس جمهوری فرانسه در مورد خطر فروپاشی اتحادیه اروپا هشدار داده است. در چنین شرایطی

تقابل میان دولت‌ها نیز افزایش خواهد یافت. مهمترین کشوری که از جهانی سازی و نئولیبرالیسم نفع برده است، بیشترین زیان را از هرگونه تغییر در این سیاست، متحمل خواهد شد. نتیجه این تحولات تشدید تضادها و مخاصمات میان دولت‌ها خواهد بود. اما شرایطی که بیماری کرونا و توام با آن بحران اقتصادی برای طبقه کارگر در هر کشور و در مقیاس بین‌المللی به بار آورده و می‌آورد، تشدید تضاد کار و سرمایه و اعتلای مبارزات طبقاتی را در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری به همراه شورش‌های گرسنگان در کشورهای عقب‌مانده‌ای که در نتیجه بحران بیشترین آسیب را خواهند دید، در پی خواهد داشت. سرمایه‌داری هیچ راه حلی برای انباشت تضادها و بحران‌های کنونی جهان ندارد و تنها راه حل قطعی آن‌ها استقرار نظامی سوسیالیستی است.



بیانیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



**شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست**

فاجعه جهانی کرونا نشانه شکست و درماندگی نظام سرمایه داری

شیوع ویروس کرونا و تلفات تراژیک تاکنونی آن، یکبار دیگر نشان داد که نظام سرمایه داری با پایه ای ترین حقوق فردی و اجتماعی انسان امروز از جمله حق سلامتی و حق حیات در تناقضی مهلک قرار دارد. این فاجعه، رعدی در آسمان بی ابر نبود. از قبل مشخص بود یعنی باید مشخص می بود که نظام سرمایه داری به دلیل اولویت دادن به الگوی توسعه اقتصادی مبتنی بر کسب حداکثر سود، نه تنها برای بشریت بلکه برای طبیعت نیز ارزشی قائل نیست. این را حتی کارشناسان محیط زیست و دانشمندان و اساتید دانشگاهی همین نظام نیز اکنون اعتراف می کنند که ویروس های جدیدی مثل کرونا محصول تحت فشار بودن محیط زیست حیوانات و طبیعت کره زمین است که سبب جهش های ژنتیکی و بسیار هوشمندانه این نوع ویروس ها و میکروب ها می شود. بحران کرونا پدیده ای غیرقابل پیش بینی نبود. در دو دهه اخیر، بشریت شاهد اپیدمی هایی چون: جنون گاوی، آنفلانزای خوک، ابولا، سارس و مرس بوده است، بنابراین هر حکومت و جامعه ای که برای سلامت و معیشت شهروندان خود ارزشی قائل بود، باید از قبل خود را برای چنین روزهایی آماده می کرد. اما این آینده نگری با ذات نظام سرمایه داری در تضاد است. این سیستم بویژه کشورهای امپریالیستی برای نابودی کره زمین و همه مردمان آن با بمب و گلوله، نه یکبار بلکه برای چندین بار، ذخیره در زرادخانه های خود دارند، اما برای حفظ سلامت شهروندان و کادر درمانی، حتی از فراهم کردن امکانات ابتدایی چون: ماسک، رپوش مخصوص، الکل پزشکی، ژل ضد عفونی، دستگاه اکسیژن مصنوعی، تخت بیمارستانی کافی و ... ناتوان است. بحث ابدأ این نیست که گویا این دولت ها و کشورها با ضعف مدیریت روبرو هستند (تردیدی نیست که در برخی از کشورها نظیر ایران درماندگی سرمایه داری با بحران مدیریت و تعدد مراکز تصمیم گیری نیز عین شده است)، معضل اساسی همانا این است که نظام سرمایه داری برای حفظ سلامت مردم و حفاظت از محیط زیست، ارزشی قائل نیست و اگر اینجا و آنجا برخی محدودیت ها و عقب نشینی ها را پذیرفته، ناشی از فشار جنبش های اجتماعی بویژه جنبش مبارزه برای ارزش های سوسیالیستی طبقه کارگر بوده است.

نتیجه این درماندگی و اولویت دادن به سود سهام کمپانی ها و ابر سرمایه داران، این شده که سیستم درمانی حتی در پیشرفته ترین کشورها نتواند از پس اپیدمی هایی از نوع کرونا برآید.

این دولت ها از زمانیکه در ماه دسامبر نخستین علائم شیوع وسیع ویروس کرونا در "ووهان" چین آشکار شد فرصت داشتند که با اولویت دادن به سلامت مردم و نه منفعت سرمایه، امکانات خویش را بسیج کنند. اما هم از طریق پنهانکاری و هم از طریق اصرار بر گردش چرخ سرمایه، موجبات آلودگی صدها هزار نفر را فراهم کردند که قطعا به میلیون ها نفر افزایش خواهد یافت. فاجعه ای که تا این لحظه دست کم جان بیست و چند هزار انسان را در سراسر جهان گرفته است.

اگر در گذشته بیماری "ابولا" دمار از روزگار کشورهای آفریقایی در می آورد و یا همین حالا بیماری پیش پا افتاده "وبا" در یمن جنگ زده و هائیتی زلزله زده دارد جان هزاران نفر را می گیرد، اکنون کرونا در قلب آمریکا و اروپای پیشرفته دارد رکوردهای جدیدی از جانباختن شهروندان را به نمایش می گذارد. نتیجه این درماندگی ساختاری این شده که در ایتالیای عضو باشگاه امپریالیستی G7 علنا اعلام می کنند که راهی جز کشیدن لوله اکسیژن از دهان افراد مسن و فرستادن عمدی آنها به گورستان ها ندارند و یا نخست وزیر بریتانیا با وقاحت صحبت از ضرورت ابتلای هفتاد درصد از مردم برای ایجاد "مصونیت گله ای" می کرد و حاضر نبود بدون فشار کادر زحمتکش درمانی و مردم، تن به سیاست پیشگیری و قرنطینه بدهد. همین نوع سیاست ها در سایر کشورها نظیر آمریکا نیز پیش گرفته شده که اکنون دارند عواقب وحشتناک آنرا به چشم می بینند.

در ایران که عملکرد سیستم سرمایه داری با استبداد فاشیستی، تحجر مذهبی، درماندگی و تعدد مراکز تصمیم گیری تلفیق شده است، بحران کرونا دارد در ابعادی وسیع جان مردم و کادر درمانی را می گیرد.

این رژیم که از روزها قبل از راهپیمایی دولتی ۲۲ بهمن و انتخابات نمایشی دوم اسفند از شیوع ویروس کرونا در قم آگاه شده بود، عمداً برای تحت تاثیر قرار نگرفتن این دو نمایش دولتی، و نیز نگاه امنیتی رژیم به بحران هایی از این دست، به سیاست پنهانکاری روی آورد. درحالیکه سیستم بهداشتی قم سخن از تبدیل "مقره معصومه" به مرکز صدور ویروس کرونا به سراسر ایران می کرد مقامات استانی و دولتی و متحجرین مذهبی با کفر دانستن چنین اهانتی به حرم معصومه، آنرا توطئه دشمنان خارجی برای بی عصمت کردن امامان و امامزاده های شیعه تلقی کردند. در واقع جمله تاریخی کارل مارکس مبنی بر اینکه "دین افیون توده هاست" بار دیگر حقایق خود را به اثبات رسانیده است!

اکنون نه تنها در ایران تحت حاکمیت اسلامی، بلکه در مناطق و کشورهای مسیحی، یهودی، هندو و ... هم به خاطر «ترکیب سرمایه و دین و استبداد» در حاکمیت، فاجعه تلفات انسانی در حال گسترش است، به ویژه در ایران در بند استبداد دین و سرمایه، رژیم سعی دارد با ارایه آمارهای تقلبی گسترش تلفات انسانی را کتمان کند. این رژیم تنها به ابتلای سی هزار نفر و مرگ ۲۳۰۰ نفر اعتراف کرده است اما بسیاری از کارشناسان و آگاهان و مردمان ساکن ایران از جمله سازمان بهداشت جهانی رقم واقعی را احتمالاً پنج برابر این میزان ارزیابی کرده اند!

رژیم انسان ستیز حاکم حتی برای حدود سه ماه حاضر نشده برخی سیاست ها مبنی بر غربالگری و قرنطینه را در شهرها و استان های ایران اجرا کند درحالیکه کشورهایی نظیر چین با اجرای قاطع و سریع این سیاست توانستند تا حدودی از ابعاد فاجعه بکاهند. حکومت درمانده سرمایه داری و مذهبی ایران از زبان رهبرش حتی به بافتن خیال باقی های مالیخولیایی نظیر "توطئه دشمن برای تولید ویروس منطبق با ژن ایرانی!" روی آورده و در عین حال که از ادامه سیاست های تحریمی آمریکا می نالید و آن را بهانه ای برای کتمان درماندگی خود قرار داده بود، حاضر نشد به بهانه همین "تئوری توطئه" کمک های یک سازمان مستقل نظیر "سازمان پزشکان بدون مرز" را برای احداث یک بیمارستان صحرائی مجهز در اصفهان بپذیرد و علیرغم موافقت وزارت بهداشت با دریافت این کمک، بعد از ورود امکانات این سازمان، جلوی فعالیت آنها را گرفتند که جهانیان را در بهت فرو برد! این سیاست در حالی عملی می شود که سیستم درمانی ایران حتی تا قبل از شیوع کرونا به اعتراف رسانه های داخل کشور از کمبود دویست هزار پرستار و هزاران دکتر و متخصص و تخت بیمارستان و امکانات اولیه دیگر رنج می برد. فشار طاقت فرسایی که بر کادر درمانی زحمتکش ایران وارد می شود تا کنون جان دهها نفر از پرستاران و پزشکان را گرفته است. در سایر کشورهای حتی پیشرفته سرمایه داری نیز شاهد همین فشار طاقت فرسا بر سیستم درمانی هستیم.

علاوه بر این معضل، جهان شاهد یکی از عظیم ترین بحران های اقتصادی دو دهه اخیر خود بوده است. تا کنون بازارهای بورس و اقتصاد سرمایه داری سقوط هزاران میلیارد دلاری را تجربه کرده اند. صدها میلیون نفر از کارگران و زحمتکش در سراسر جهان شغل و درآمد خود را از دست داده اند یا به موازات رشد بحران، در حال از دست دادن هستند. واکنش دولت های سرمایه داری همچون بحران بزرگ ۲۰۰۸ ریختن تریلیون ها دلار از بودجه کشور و بانک ها به حلقوم کمپانی های بزرگ است، ولی وقتی به بیکاران و زحمتکش می رسند به سیاست قطره چکانی روی می آورند. حتی در پیشرفته ترین کشورها سخن از اعطای پنجاه تا هفتاد درصد حقوق بیکاری به کارگران و شاغلین می کنند.

به همین خاطر بلند کردن پرچم: "سلامت، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست!" بیش از هر زمان اولویت پیدا کرده است. کوبیدن بر خواست های سوسیالیستی جنبش ما نظیر: آموزش رایگان، درمان رایگان، بیمه بیکاری مکفی، و حق هر انسان برای برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه، و نیز

خطرات جانی و معضلات معیشتی کارگران با شیوع کرونا

۲۹ اسفند از کار اخراج شدند و کارفرما با این حیلۀ از پرداخت دستمزد کارگران در ایام تعطیلی شانه خالی کرد. همچنین ۳۲۰ کارگر شرکت پیمانکاری جهان پارس شاغل در میدان نفتی آذر در ۲۵ کیلومتری شهرستان مهران در استان ایلام ۲۹ اسفند از کار اخراج شدند. این شرکت پیمانکاری در سالهای گذشته نیز با هدف تضییع حق و حقوق کارگران و بالا نبردن دستمزدها در سال جدید کارگران را پیش از سال نو اخراج می‌کرد که در سال جدید به بهانه کرونا به راحتی و بدون دردسر این کار را انجام داد و نکته مهم این است که این کار تقریباً توسط تمامی شرکت‌های پیمانکاری در پایان سال انجام می‌گیرد. اما با توجه به بحران عمیق اقتصادی و معضل شیوع ویروس کرونا مشخص نیست که این کارگران که بدون هرگونه آینده شغلی از کار بیکار شده‌اند چه زمانی امکان بازگشت به کار را خواهند یافت.

برخی از کارگران نیز به دلیل تصمیمات دولت به دلیل شیوع ویروس کرونا از کار بیکار شده‌اند. از آن جمله هستند ۲۳۰۰ کارگر شرکت‌های پیمانکاری تفکیک زباله طرف قرارداد با شهرداری تهران که بدون هیچ‌گونه حمایت مالی با ممنوعیت کار آن‌ها (زباله‌گردی و تفکیک زباله) به دلیل شیوع کرونا از کار بیکار شدند. صدها هزار کارگر ساختمانی نیز از جمله کارگرانی هستند که با شیوع کرونا بدون هرگونه حمایتی از سوی حکومت اسلامی به حال خود رها شده و در عمل به خیل میلیون‌ها بیکار پیوستند.

به‌طور کلی در شرایط کنونی با شیوع ویروس کرونا بسیاری از کارگران شاغل در کارهای پروژه‌ای که به دلیل بحران اقتصادی تعطیل شده‌اند، کارگران شاغل در کارگاه‌های کوچک، بخش‌های خدمات و غیره - که برخی از این شرکت‌ها به دلیل بحران اقتصادی حتی در آستانه ورشکستگی بودند - بدون حتی مقرری بیکاری از کار بیکار شده و حتی چشم‌اندازی برای بازگشت به کار ندارند.

اما از سوی دیگر کارگرانی نیز هستند که از سوی کارفرمایان همچنان باید بر سر کار حاضر شوند اگرچه کار آن‌ها در شرایط کنونی ضرورتی ندارد. از آن جمله هستند کارگران خودروسازی‌ها و یا معادن این کارگران - و حتی خانواده‌هایشان - با توجه به عدم رعایت اصول ایمنی و بهداشتی در محیط کار با خطر آلوده شدن به ویروس کرونا روبرو هستند و تاکنون گزارشات متعددی از مبتلا شدن تعدادی از کارگران به ویروس کرونا و حتی درگذشت آن‌ها منتشر شده است. این مساله باعث اعتراضاتی در میان کارگران شده است. برای

نمونه کارگران برخی از کارخانجات استان گیلان از جمله "پارس شهاب" و "وارس خزر" روز یکشنبه ۳ فروردین دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار تعطیلی کارخانه‌ها تا پایان بحران شیوع کرونا شدند. دبیر اجرایی "خانه کارگر" گیلان در همین رابطه با اشاره به این‌که از روز دوشنبه ۴ فروردین کارگران باید بر سر کار خود حاضر شوند، گفت: "خواست کارگران و ما این است که کارخانجات به‌غیر از آن‌ها که تولید بهداشتی و دارویی دارند، حداقل تا پایان تعطیلات عید تعطیل باشند تا بحران کرونا کمی فروکش کند". وی ۱۳ اسفند ماه نیز گفته بود: "در گیلان کارخانه‌های بزرگ مثل ایران رادیاتور با بیش از ۸۰۰ کارگر، شرکت فرآوری ساخت، سازنده آگروز و کمک فنر ماشین با بیش از ۶۰۰ کارگر و شرکت‌های فولادی در گیلان با بیش از دو هزار نفر کارگر از جمله فولاد گیلان و فولاد امیرکبیر خواسته‌اند تا تعطیلی کارخانه یا حداقل کاهش ساعات کاری در دستور کار قرار بگیرد".

کارگران معادن گل‌گهر سیرجان نیز در روزهای گذشته دست به اعتراضات متعددی زدند. در مجموعه معادن گل‌گهر سیرجان بیش از ۱۹ هزار کارگر مشغول به کار هستند که برای مقابله با شیوع کرونا در این مجموعه هیچ اقدام موثری صورت نگرفته است. در یکی از اعتراضات کارگران در برابر فرمانداری به کارگران گفته شد که تعطیلی معادن گل‌گهر سیرجان منوط به دستور ستاد بحران است. کارگران معادن مس سونگون در شهرستان ورزقان آذربایجان شرقی نیز با اعتراض خود خواستار تعطیلی معدن شده بودند. در تاریخ ۲۲ اسفند و هنگام ورود کارگران به معدن در شیفت عصر، در محل تب سنجی گیت ورودی معدن مشخص شد که چند نفر از کارگران به کرونا مبتلا شده‌اند. در پی این مساله کارگران خواستار تعطیلی کار شدند، اما در روز بعد نیروی انتظامی با شکایت کارفرما دو تن از کارگران را به بهانه تشویق کارگران به تعطیلی به اداره آگاهی ورزقان منتقل کردند. از یاد نبرده‌ایم که حسن روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی و نماینده طبقه سرمایه‌دار ایران، در آن روزها از "تلاش ضد انقلاب برای تعطیلی کار" صحبت کرده بود. بنابراین طبقه کارگر ایران امروز با دو مساله روبروست اولین مساله امنیت اقتصادی و یا همان معیشتی است. کارگر برخلاف سرمایه‌دار این امکان را ندارد که بدون دستمزد هزینه‌های زندگی خود و خانواده‌اش را تامین کند. کارگر اگر نیروی کار خود را به سرمایه‌دار می‌فروشد دقیقاً به خاطر همین مساله است. از سوی دیگر اما کار در شرایطی که ویروس مرگبار کرونا

می‌تواند کارگر و حتی کل خانواده‌اش را تهدید کند، امنیت جانی کارگر و خانواده او را به خطر می‌اندازد.

این مساله‌ایست که امروز در کل کشورهای جهان سرمایه‌داری مطرح است. در برخی از این کشورها دولت‌ها با تعطیلی کار و قرنطینه شهرها به مقابله با ویروس برخاستند و توانستند شیوع ویروس کرونا را مهار کنند. کشورهایی چون چین، ژاپن و کره جنوبی از این نمونه هستند. کشورهایی که در صورت عدم مهار اپیدمی کرونا می‌توانستند با فاجعه بزرگی روبرو شوند. موفقیت این دولت‌ها در مهار ویروس کرونا اما به این دلیل مهم بود که آن‌ها شرایط و بستر تعطیلی کار و قرنطینه شهرها را فراهم ساختند. بدین معنا که نیازهای مالی کسانی را که از کار بیکار شده بودند تامین کردند و اگر شهر را قرنطینه کردند و رفت‌وآمد را ممنوع، نیازهای روزمره را حتی به محل زندگی ساکنان آن شهر رساندند. شهر ووهان چین نمونه شاخص این روش است. در همین‌جا لازم است تا بر این مساله انگشت گذاشته شود که در واقع این دولت‌ها با مهار ویروس کرونا - اگرچه برای آن‌ها هزینه‌هایی را به همراه داشت - اما توانستند چرخه اقتصاد را دوباره به راه بیاورند و از این جهت منافع طبقه سرمایه‌دار به بهترین شکلی تامین گردید.

برخی دیگر از دولت‌های سرمایه‌داری اما تلاش کردند تا آن‌جا که می‌شود کار تعطیل نشود و همین تعلل منجر به گسترش ویروس کرونا شد. اغلب کشورهای اروپایی از نمونه‌ی این دولت‌ها هستند که اتفاقاً همین مساله موجب بروز معضلات بسیاری برای این دولت‌ها در مهار ویروس کرونا شد، به گونه‌ای که تعداد جان باختگان بیماری کرونا در برخی از این کشورها بسیار بالا رفت. آمار جان باختگان ایتالیا و اسپانیا تا هم اکنون نیز بسیار فراتر از چین با جمعیت یک میلیارد و سیصد میلیون نفر است. اپیدمی کرونا در اروپا چنان گسترش یافت که سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد بعد از چین اکنون اروپا به کانون شیوع ویروس کرونا تبدیل شده است. تعداد قربانیان رسمی کرونا در هلند کشوری با ۱۷ میلیون جمعیت تا روز یکشنبه ۲۹ مارس از مرز ۷۰۰ نفر گذشت.

انگلیس یک نمونه دیگر است که آمار مبتلایان و جان باختگان در این کشور به سرعت در حال رشد است و شرایط وخیمی در این کشور پیش‌بینی می‌شود. علت اصلی این مساله نیز تعلل دولت دست راستی انگلیس در ایجاد محدودیت‌ها بود، دولتی که در راس آن بوریس جانسون مدل اروپایی دونالد ترامپ قرار دارد.

در این میان وضعیت در آمریکا بحرانی‌تر به‌نظر می‌رسد. سرعت شیوع کرونا در آمریکا به‌گونه‌ای است که بعد از اروپا، سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد اکنون آمریکا به کانون شیوع ویروس کرونا تبدیل شده است. تا هم اکنون نیز میزان مبتلایان به ویروس کرونا در آمریکا با

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی
و قیام مسلحانه برانداخت**

خطرات جانی و معضلات معیشتی کارگران با شیوع کرونا

عبور از مرز صد هزار نفر از چین پیشی گرفته و این در حالیست که بحران کرونا در آمریکا تازه آغاز شده و براساس اخبار منتشره تمامی ایالات آمریکا به ویروس آلوده شده‌اند.

اما همه این دولت‌ها وقتی شیوع ویروس کرونا به یک بحران بزرگ تبدیل شد، مجبور شدند تا تمهیداتی برای مهار آن اتخاذ کنند حتی دولت‌های دست راستی انگلیس و آمریکا. در آمریکا یک بسته ۲ تریلیون دلاری تصویب شد که بخشی از آن کمک مالی به مردم آمریکا است. براساس این بسته ۲ تریلیون دلاری هر آمریکایی بالغ ۱۲۰۰ دلار و هر کودک ۵۰۰ دلار کمک مالی دریافت کرده و شرکت‌ها برای حفظ نیروی کار خود کمک مالی از دولت دریافت می‌کنند.

در کشورهای اروپایی نیز بسته‌های کمک مالی برای مقابله با بحران کرونا تصویب شد. در آلمان یک بسته کمک مالی ۱۷۵ میلیون یورویی به تصویب رسید و دولت هلند نیز پیش‌بینی کرد تنها در مرحله اول ۵۰ میلیارد یورو برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی لازم است. در این کشور که بسیاری از کارها از جمله خدمات توریستی، هتل‌ها، رستوران‌ها، کافه‌ها و حتی بسیاری از مراکز تولیدی براساس تصمیمات دولت تعطیل شده‌اند، دولت متعهد گردیده است تا ۹۰ درصد دستمزد شاغلین آن‌ها را پرداخت کند. در مورد کسانی نیز که خویش‌فرما بوده و در اثر شیوع کرونا و در نتیجه تمهیدات دولت کار خود را از دست داده‌اند تا زمان حل بحران ماهانه ۱۰۵۰ یورو از دولت دریافت می‌کنند. در فرانسه نیز اقداماتی صورت گرفته است از جمله عدم لزوم پرداخت کرایه خانه و غیره.

بنابراین، این کشورها نیز اگرچه با تعلق ولی به‌ویژه به دلیل منافع درازمدت طبقه سرمایه‌دار و البته همین‌طور به دلیل فشار افکار عمومی دست به اقداماتی هم چون تعطیلی مراکز کار و قرنطینه زدن، اما در عین حال شرایط این کار را هم فراهم کردند. هر دولتی که دیرتر اقدام کرد، با بحران عمیق‌تری روبرو شد و کرونا در آن کشور قربانیان بیشتری گرفت.

در این میان اما وضعیت شیوع ویروس کرونا در ایران و عملکرد دولت یک استثنا در جهان است. در ایران ابتدا وجود ویروس انکار شد. زمانی هم که مجبور به اعتراف شدند از قرنطینه کردن مراکز آلوده طفره رفته و بدین ترتیب ویروس به تمام کشور سرایت یافت. وقتی هم که دیدند کار از کار گذشته است، با تحریف اخبار و جلوگیری از انتشار آمارهای واقعی (با بهره‌گیری از نیروی سرکوب) سعی کردند بر عملکرد فاجعه‌آمیز خویش در سطح جهانی سرپوش بگذارند. ویروس کرونا اما به این چیزها کاری ندارد و اگر جلوی‌اش گرفته نشود همچنان گسترش می‌یابد. بی‌لباقی، فساد و هرج و مرج در دستگاه حاکم کار را به آن‌جا رساند که امروز ویروس کرونا در ایران جولان می‌دهد، کسی جلودارش نیست و هیچ برنامه‌ای برای مبارزه با آن وجود ندارد. این مساله‌ایست که حتی مقامات

بیانیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

فاجعه جهانی کرونا نشانه شکست و درماندگی نظام سرمایه داری

گسترش مبارزه برای حفظ محیط زیست انسان‌ها و حیوانات و گیاهان و مبارزه با تبعیض و نابرابری‌های طبقاتی و عبور از نظام جهانی سرمایه داری، بیش از هر زمان به یک ضرورت عاجل تبدیل شده است.

در این دوران حساس از تاریخ جهان، باید بر همبستگی اجتماعی، خودیاری و مدرسانی به اقتضای آسیب پذیرتر نظیر: سالمندان و معلولین تاکید و توجه ویژه ای داشت با ایجاد کمیته‌های مردمی در هر محله و منطقه به یاری کسانی بشتابیم که بحران کرونا مانع از دسترسی آنها به اولیه‌ترین نیازهای غذایی و بهداشتی شده است. البته نشانه‌هایی از خود سازمانیابی را در ایران و سایر کشورها مشاهده می‌کنیم که ضروری است در همه عرصه‌ها گسترش یابد.

"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"، همدردی عمیق خود را با خانواده‌های جانب‌بختگان کرونا اعلام می‌کند و همچون اکثریت مردم، به کادر درمانی زحمتکش ایران و سراسر جهان درود می‌فرستد که علیرغم درماندگی دولت‌های سرمایه داری دارند با جنگ و دندان و با به خطر انداختن سلامتی خود، از جان بیماران حفاظت می‌کنند.

مبارزه برای آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی و افشای هرچه بیشتر چهره کثیف و انسان ستیز نظام سرمایه داری و ارتجاع مضاعف دینی وظیفه ایست که در برابر جنبش طبقاتی و نیروهای چپ و کمونیست قرار دارد و باید تاکید کرد که تنها با عبور از جهنم سرمایه داری و گذار به سوسیالیسم است که انسان هویت انسانی و حقوق انسانی خود را به جنگ خواهد آورد و این ممکن نیست مگر با سرنگونی انقلابی حاکمیت ارتجاع مذهبی و سرمایه داری توسط طبقه کارگر و متحدین بیشمارش برای حاکمیت اکثریت عظیم بر اکثریت عظیم.

نابود باد نظام درمانده سرمایه داری
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
۲۸ مارس ۲۰۲۰ - ۹ فروردین ۱۳۹۹

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمیت‌یست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت
ShorayeHamkari@gmail.com

کارگران که در اسفندماه سالی که رو به پایان است صورت می‌گیرد یک نمونه دیگر. یک نمونه شاید کوچک آن این است که در این هیاهوی کرونا، دولت برخلاف تمام سال‌های گذشته عیدی کارگران شاغل در کارخانه‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت را به مانند کارمندان دولت پرداخت کرد که عیدی بسیار ناچیزی می‌گیرند.

جمهوری اسلامی در جریان شیوع کرونا بار دیگر نشان داد که در برخورد با کارگران از وحشی‌ترین و درنده‌خوترین دولت‌های سرمایه‌داری جهان نیز وحشی‌تر و درنده‌خوتر می‌باشد. جمهوری اسلامی حکومت دزدان و فاسدان، حکومت سرمایه‌داران و دشمن سرسخت طبقه کارگر است و تنها راه برای کارگران مبارزه با جمهوری اسلامی و سرنگونی آن، ویروسی که صدها و هزاران بار بدتر از ویروس کروناست و تاکنون هزاران بار بیشتر از کرونا از مردم ایران قربانی گرفته است.

درجه دو و سه رژیم نیز در رسانه‌های وابسته به حکومت و یا شبکه‌های اجتماعی به آن اعتراف می‌کنند. ویروس کرونا آن‌چنان شیوع یافته که رژیم بالاخره مجبور شد به نوعی قرنطینه تن داده و برخی از کارها را تعطیل کند. اما برخلاف دیگر دولت‌های سرمایه‌داری، حتی دولت‌های دست راستی آمریکا و انگلیس، هیچ خدماتی به کارگرانی که کار خود را از دست داده‌اند ارائه نداد. بدین ترتیب جمهوری اسلامی زمینه در خانه ماندن کارگران را مانند دیگر کشورها فراهم نساخت. در ایران حتی برعکس دیگر کشورهای سرمایه‌داری، طبقه سرمایه‌دار ایران با همراهی حکومت دست نشانده خود از این فرصت استفاده کرد تا به سفره محقر کارگران بیشتر از گذشته دست درازی کند. اخراج کارگران بدون هیچ پشتوانه مالی یک نمونه است، تشدید استثمار کارگران و بی‌تفاوتی محض به سلامت کارگران و خانواده‌های آنان یک نمونه دیگر. عدم افزایش دستمزد اسمی

خطرات جانی و معضلات معیشتی کارگران با شیوع کرونا

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 863 March 2020

کارفرما تعطیلی کامل کارخانه و عدم پرداخت دستمزدهای عقب‌افتاده است.

کارگران برخی از کارخانجات بحران‌زده دیگر همچون هپکو و آذرباب نیز بدون آن‌که دستمزدهای عقب‌افتاده خود را دریافت کنند "به بهانه مقابله با شیوع کرونا" به خانه فرستاده شدند.

کارگران زیادی نیز که به صورت قراردادی و پیمانی و حتا سفید امضاء به کار مشغول بودند (با تشدید بحران اقتصادی) به بهانه کرونا از کار اخراج شدند. برای نمونه ۲۰۰ کارگر شرکت پتروشیمی لردگان به بهانه شیوع کرونا در تاریخ

در صفحه ۸

برخی از کارخانجات که با بحران نیز روبرو بودند به بهانه کرونا از سوی کارفرمایان تعطیل شده و کارگران برای دریافت مقرری بیکاری که آن‌ها تنها چند ماه پرداخت می‌شود به سازمان تأمین اجتماعی معرفی شدند، کارگرانی که در شرایط بحران اقتصادی رکود تومی کنونی امیدی به یافتن کار جدیدی ندارند. از آن جمله هستند کارگران کنتورسازی قزوین که با تعطیلی کارخانه دو سال دستمزدهای معوقه آن‌ها نیز پرداخت نشد. هر چند کارفرما گفته است که با پایان یافتن مشکل ویروس کرونا کارگران به کارخانه بازمی‌گردند، اما تجربه کارگران چیز دیگری می‌گوید. آن‌ها به خوبی می‌دانند که هدف



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

shora.tv@gmail.com

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:
۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی